



• از سینما •

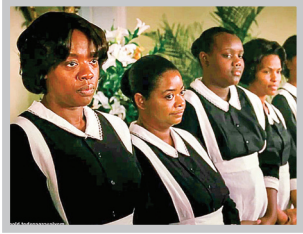
• نگارمنید •

از سینما به داستان‌ها پناه می‌برم

سینما خود قصه است برای ما که سال‌هاست از زندگی عبوس و بی‌رحم‌نوی ذوقمان خورده و تازگی‌ها هم فهمیده‌ایم که اصلا به همین بالا و پایین‌ها و خط و نشان‌ها می‌گویند زندگی. یعنی اگر قبل‌تر می‌دانستیم، آن روزهای کودکی که به ما وعده بزرگ شدن و فراموشی می‌دادند، احتمالا از همان روزها در سینماها صف می‌کشیدیم و دل می‌دادیم به دل قصه‌هایی که ما را به دنیایی دیگر می‌برد. به قصه‌های ساده، به قصه‌های جذاب و پرکشش و هیجان‌انگیز. دل می‌دادیم به دل شخصیت‌های اصلی یا حتی نقش‌های فرعی، دل می‌دادیم به سیاهی سالن و روایت‌هایی که ما را از اینجا که هستیم دور می‌کنند و به جایی دیگر می‌برند. به احتمال زیاد «گلنار» را صدبار می‌دیدیم و «گر به آوازخوان» را هزار بار. احتمال بیش‌تری وجود داشت که سینما را روی سرمان نمی‌گذاشتیم و هیاهوی واقعیت را می‌بخشیدیم به خیال‌انگیزی رویای داستان‌ها و برای خودمان شهری می‌ساختیم که هیچ نشانی از واقعیت در آن نباشد.

اگر این‌طور می‌شد، آخ‌رش می‌گفتند چه؟ می‌گفتند خیال‌باف است دیگر. می‌گفتند فیلم که می‌بیند مردمک‌های چشمش کمتر تکان می‌خورد یا می‌گفتند هوایی شده. نمی‌داند دور‌برش چه می‌گذرد. احتمالا در داستان‌های عاشقانه غرق می‌شدیم، در داستان‌های پلیسی به اوج می‌رسیدیم یا حتی می‌توانستیم در روزهای التهاب‌های اجتماعی خودمان را در آینه سینما ببینیم. آن دیگران که نمی‌دانستند ما به چه فکر می‌کنیم، نمی‌دانستند ما حواسمان کجاست، نمی‌دانستند رویای ما در کدام سکانس و کدام لحظه به واقعیت می‌پیوندد. آنها حرف خودشان را می‌زدند. آدمی که بریده از واقعیت‌هاست را دست می‌انداختند و می‌گذاشتند برای خودش یک گوشه نان و ماستش را بخورد. کسی هم پیدا می‌شد لابد که نان و ماست را دستم بدهد. یا اگر نه، حداقل از کنار زندگی می‌گذشتم، بی‌حاشیه‌ای و بی‌هیچ‌هویی. می‌گذاشتم به عشق خط داستانی و شخصیت‌های خاکستری. به عشق روزهایی که شخصیت اول به آرزویش می‌رسد. در این دنیای واقعی که سهم ما از آرزوها هیچ شد. اما در سینما که اینطور نیست. برایمان داستان می‌نویسند و در داستان‌هایش حتما کسی پیدا می‌شود که برآورده شدن آرزویش را به چشم ببیند. در دنیای واقعی اما داستان‌ها جور دیگری هستند. مدام بالا می‌روند، مدام تو را به اوج امیدواری می‌رسانند و ناگهان به سمت پایین حرکت می‌کنند. در همان زمان که ناامید هستی، بازهم دستی روی شانه‌ات می‌آید و امیدوارت می‌کند. اصلا تو بگو همین کش و قوس‌هاست که زندگی را ساخته و سینما را بهتر از زندگی می‌کند.

در سینما نمودار مشخصی وجود دارد، از ناامیدی به امید، از ناخوشی به خوشی، از مرگ به زندگی. دست‌کم معمولا در فیلم‌های جذاب این‌طور اتفاق می‌افتد. دیگر از کش و قوس و بالا و پایین و نقطه‌عطف‌های ثانیه‌ای خبری نیست که ندانی دنیا دست کیست. که هر صبح در شب نظرت درباره عشقی بود و عوض شود. در سینما آدم‌ها از امیدواری خسته نمی‌شوند، در سینما کسی از زندگی فاصله نمی‌گیرد. در سینما لجبازها آخ‌رسر متنبه می‌شوند و در سینما مواجهه با قانون برای همه یکسان است. در سینما دنیای بهتری وجود دارد که باعث می‌شود حضور در دنیای داستان‌ها ساده‌تر و آرام‌تر و بهتر باشد. دست‌کم برای ما که این روزها گاه از هیاهوی اطرافمان به تنگ می‌آییم. به زندگی روی پرده سینما. به تصویری رویاگونه روی پرده تکره‌ای. برای ما که روز خوش و ناخوش به سینما پناه می‌بریم، احتمالا هیچ واقعیتی نمی‌تواند ما را به اندازه دنیای داستان‌وار سینما سر ذوق بیاورد. به همین خاطر است که پناه می‌بریم به دنیای داستان‌ها، به دنیایی که امید در آن همیشگی است و زندگی به شکل آرمان‌خواهانه‌اش ادامه دارد. شبیه به «خدمتکار»، برشی مقطعی از زندگی سیاه‌پوستان آمریکا، پیش از آنکه حق رأی داشته باشند یا حتی موجودیتشان پیش از برده بودن به ثبت برسد. منهای تمام آن کش و قوس‌ها و فارغ از تمام امیدها و ناامیدی‌ها.



به تماشای «ویلایی‌ها»

«ویلایی‌ها» نخستین فیلم سینمایی منیره قیدی است. فیلمی که این روزها در حال اکران است و داستان زنانه‌ای از جنگ را روایت می‌کند. زنایی که در انتظار به سر می‌برند تا نام و نشانی از همسرشان به دست آورند و در روزهای سخت دوری و ناامیدی به همدیگر کمک می‌کنند تا زندگی بهتر و آرام‌تری داشته باشند و البته گاهی نیز با یکدیگر جنگ‌و‌عوا هم راه می‌اندازند. طنز طباطبایی، پرنزای ایزدیار، آناهیتا افشار، علی شادمان، و ثریا قاسمی بازیگران بزرگسال این فیلم هستند. فیلمی که در جشنواره سال گذشته تحسین شد و در نوبت اکران نیز به سبب همزمانی با انتخابات، کمتر فرصت دیده‌شدن پیدا کرد. اما هنوز تا پایان اکران زمان زیادی هست.

۸۰ | کتیبه نو

سینما، تئاتر، موسیقی و...

• بزرگداشت •



همراه با اسدزاده

در میان شور و هیجان اسدزاده در ایوان شمس بر گزار شد و برای داریوش اسدزاده در این مراسم حضور یافتند. در این مراسم بود که فیلم مستندی از زندگی او نمایش داده شد و اسدزاده درباره آن گفت: «ز دیدن این فیلم ناراحت نشوید، چراکه هر وقت خودم به آن نگاه می‌کنم، گریه می‌کنم. شرمسارم، هم شادمانم، هم تنگدل.» اما علی شاه‌حاتمی به او حرفی زد که همه را وادار به تشویق کرد: «تمام هنرمندان امروز روزگاران را نگاه می‌کنند و گریه می‌کنند.» این مراسم به دلیل ۷۵ سال حضور داریوش اسدزاده در عرصه هنر بر گزار شد.

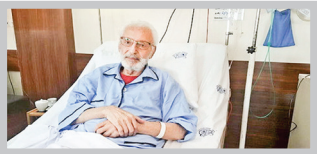
• اجرا •



فصل تازه در ایرانشهر

چهار نمایش جدید از هفته گذشته اجرای خود را در تماشاخانه ایرانشهر آغاز کرده‌اند، منهای «نماینده دولت» که به صورت جداگانه در این صفحه به آن پرداخته‌ایم. می‌توان از نمایش «مطرب» به کارگردانی بهزادفراهانی اسم‌برد، که شقایق فراهانی نقش اصلی آن را بازی می‌کند و هر روز ساعت ۱۹ در سالن استاد سمندریان روی صحنه می‌رود. ساعت ۲۱:۳۰ دقیقه نیز نمایش «دیگری» به کارگردانی بهاره رهنما و با بازی خودش و شیوا اردویی نوبت اجرا دارد. در سالن استاد ناظرزاده کرمانی نیز ساعت ۱۹:۳۰، نمایش «هروراد» به کارگردانی قطب‌الدین صادقی اجرا می‌شود.

• احوالپر سی •



عیادت دو وزیر از مشایخی

جمشید مشایخی در بستر بیماری است و این روزها در خانه‌اش به سر می‌برد. هفته گذشته، محمدجواد ظریف و سیدرضا صالحی امیری به دیدن این هنرمند رفتند و به هنرمند سال‌خورده ادای احترام کردند و مدت‌زمانی را کنارش گذراندند و با او گپ زدند. در همین حضور بود که صالحی امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد گفت: «ما همیشه برای استاد دعا می‌کنیم.» و جمشید مشایخی نیز به وزیر امور خارجه گفت: «من برنامه‌های شما را از تلویزیون دنبال می‌کنم. خنده و ممانت شما فرهنگ والای ایرانیان را نشان می‌دهد.»

خنده بر هر در دبی در مان دواست

چرا «نهنگ عنبر ۲» گیشه را در اختیار گرفته است؟



فرصت نمایش پیدا کرد. آنقدر هم درباره حذف صحنه‌ها خبررسانی شده بود که بعضی از مخاطباتش تمام نارسایی‌های فیلم را به همین ماجرا مربوط کردند و از کنار اشتباهات آن به‌سرعت گذشتند. چه‌بسا به همین خاطر بود که وقتی به سامان مقدم گفتند: «فیلمت خیلی

اما باز هم به موفقیت در گیشه رسید و با فروش ۷ میلیارد تومانی‌اش تبدیل به دومین فیلم‌پرفروش سال ۹۴ شد. «نهنگ عنبر» البته حاشیه‌هایی بیشتر از بخش دوم را پشت سر گذاشت. نزدیک به یک سال در کمد خاک خورد و درنهایت نیز پس از حذف چند سکانس

منوچهرین «نهنگ عنبر»

تا به امروز خبری درباره «نهنگ عنبر ۳» منتشر نشده است و سامان مقدم نیز در این باره جمله‌ای به زبان نیاورده است. اما از آنجایی که همچنان روایت رؤیا از این عشق پنهان مانده، به نظر می‌رسد داستان را طوری چیده‌اند که امکان ادامه آن وجود داشته باشد. البته توضیح بیشتر در این باره، به لو رفتن داستان «نهنگ عنبر ۲» منجر می‌شود و مجبوریم از کنار دلایلمان برای این پیش‌بینی بگذریم. شاید در آینده‌ای دورتر، وقتی مطمئن شدیم تعداد کسانی که فیلم را دیده‌اند بیشتر شد، درباره آن بنویسیم و از تکمیل سه‌گانه دهه شصت صحبت کنیم. شاید هم نگفتم، به هر حال بهتر از آن است که در معرض ناسزا قرار بگیریم که چرا فیلم را لو داده‌ایم.

• دیدنی‌ها •

• دلارام مجد •

اتفاق‌های نیمه‌شب

فیلم سینمایی «نیمه‌شب اتفاق افتاد»، مهرماه سال گذشته در سینماها اکران شد، فیلمی به کارگردانی تینا پاکروان و با بازی رؤیا نونهالی، حامد پدهاد، آتیلا پسیانی، گوهر خیراندیش و... فیلمی که این روزها به شبکه نمایش خانگی آمده و در سوپرمارکت‌ها موجود است. فیلم داستان نسیبتا غم‌انگیزی را روایت می‌کند. داستانی از عشق‌های نامتعارف که معمولا سرانجام خوشی ندارند. طلا معتمدی نویسنده این اثر است که فیلمنامه‌ای نسبتا طولانی نوشته و پاکروان آن را کارگردانی کرده است. بازی حامد پدهاد در این فیلم قابل قبول است و رؤیا نونهالی نیز تصویر خوبی از زنی سخت‌کوش ارائه می‌دهد که با پسر نوجوانش در کلان‌شهری با مختصات تهران زندگی می‌کند.



در حال و هوای انتخابات

تماشاخانه ایرانشهر فصل تازه اجراهای خود را آغاز کرده و از میان چهار نمایش، یکی از آنها در حال و هوای سیاسی است. کارگردان این نمایش، با عنوان «نماینده ملت»، مجید مظفری است و نیکو مظفری، سوسن پرور، مجید مظفری، وحید آقاپور، بهنام شرفی، سام کیودوند، محمد لقمانیان، و صحرا جیل‌عاملی بازیگران آن هستند. سجاد افشاریان این اثر را با اقتباسی آزاد از نمایشنامه «نماینده ملت» نوشته برانسیس‌لو نوتوشیج به نگارش درآورده است. «نماینده ملت» ۱۹ خرداد هر شب از ساعت ۲۱:۳۰ روی صحنه می‌رود. اگر از علاقه‌مندان به نمایش‌های سیاسی و اجتماعی هستید، به‌شما پیشنهاد می‌دهیم دیدن این نمایش را در سالن استاد ناظرزاده کرمانی از دست ندهید.



کمک چاوشی به یک اعدامی

حجت‌الاسلام کمیل نفاقتی در برنامه «فرمول یک» خاطره‌ای را تعریف کرد که «احتمالا محسن چاوشی از شنیدن آن خوشحال نمی‌شود.» او در این برنامه توضیح داد که به شیراز رفته تا برای یک فرد در شرف اعدام پول جمع کند و در این میان یک نفر به او زنگ زده تا برایش رقمی قابل توجه بفرستد. تنها شرط این فردم این بوده که حجت‌الاسلام را از نزدیک ببینند. او صرفا گفته است که نام کوچکش محسن است. «یک هفته بعد، اتفاقی عکس کاور آهنگی را دیدم، او همان آدمی بود که من دیده بودم، محسن چاوشی.»

پرحاشیه شده! در گفتگویی توضیح داد که «نهنگ عنبر» یکی از کم‌حاشیه‌ترین فیلم‌های اوست. حقیقتی که می‌توان با یادآوری روزهای «پارتی» و «سیاوش» آن را به خاطر آورد. فیلم‌هایی که تم اجتماعی‌شان پررنگ‌تر بود و سعی می‌کردند به صورت مستقیم بر مسائل مربوط به جوانان در دهه هفتاد و هشتاد دست بگذارند. مجموعه «نهنگ عنبر» که احتمال می‌رود تبدیل به سه‌گانه سامان مقدم از دهه شصت شود، مربوط به زندگی جوان‌هایی است که در دهه شصت روزهای امیدواری‌شان را می‌گذرانند. در دهه شصت مشغول کار و زندگی بودند و محدودیت‌های فراوانی را به چشم دیدند. هر دو فیلم بیشتر از آنکه بر حال و هوای دهه ۹۰ تکیه داشته باشند. جزئیات دهه ۶۰ را روایت می‌کنند و از این منظر نخستین فیلم بیشتر مورد توجه قرار گرفت و «نهنگ عنبر ۲» در همان جزئیات جولان داده است. در نخستین فیلم، مادر در حال تماشای عاشقی ارزنگ بودیم و در دومین فیلم، داستان فلاش‌های او را می‌بینیم. آن هم زمانی که می‌دانیم آنها در حال رسیدن به یکدیگر هستند و قرار است با یکدیگر ازدواج کنند. تمام این جزئیات را که کنار هم بگذاریم، می‌رسیم به چرایی فروش فیلم. آیا باید دنبال دلایلی پررنگ و بزرگ برای این فروش بگردیم؟ یا صرفا بگوییم که مردم از دیدن فیلم‌های نوستالژیک خوششان می‌آید؟ اگر در دنیای مجازی کمی بیشتر نگاه کنیم، هر اتفاق نوستالژیکی با هیاهو و هیجان همراه است. حتی عکس یک پاک‌کن هم می‌تواند مخاطب را سر ذوق بیاورد و با او همذات‌پنداری کند. چه برسد به فیلمی که جزئیات دهه ۶۰ را کنار هم قرار داده است. از سوی دیگر، «نهنگ عنبر» بازیگران نام‌آشنایی دارد. رضا عطاران یک‌تنه می‌تواند فروش یک فیلم را تضمین کند. چه برسد به حضور همزمانش در کنار مهناز افشار و ویسکا آسایش. در نظر داشته باشید که آدم‌ها پیش از آنکه به سینما بروند، به پوسترها و سردر سینماها نگاه می‌کنند. وقتی هم که اسم حذف و حاشیه به نام یک فیلم اضافه می‌شود، دیگر نوعی نور است. آدم‌ها تصمیم می‌گیرند فیلم را ببینند تا بفهمند قرار است چه چیزی را ببینند. شاید هم بهتر باشد تمام این دلایل را به کناری بگذاریم و یادمان بیاید که در حال و هوای انتخابات، تنها فیلم کم‌دی در حال اکران «نهنگ عنبر ۲» بود و برای کسانی که می‌خواستند فرصتی برای کم کردن استرس‌های انتخاباتی داشته باشند، هیچ گزینه‌ای بهتر از سفر به گذشته، مخصوصا سفری با حال و هوای طنز وجود نداشت.

برادری به نام خسرو

شهباب حسینی در حال حاضر با دو فیلم در سینماها حضور دارد. اولی «متحان نهایی» است و دومی «برادر خسرو». او در این فیلم دوم که کارگردانی‌اش را احسان بیگلری انجام داده، نقشی متفاوت بازی می‌کند. «برادرم خسرو» از تولیدات سال ۹۴ است که با تاخیری چندماهه به سینماها آمده و در روزهای بهار ۹۶ نوبت اکران پیدا کرده است. «برادرم خسرو» به این دلیل فیلمی متفاوت به حساب می‌آید که برای نخستین مرتبه، داستان زندگی یک فرد با اختلال قوطبی را نمایش می‌دهد. اختلال روانشناسته که زندگی فرد را مختل می‌کند و برای اطرافیان‌ش نیز دردسرهایی می‌آفریند. هنگامه‌فاضانی، بیتا فرهی و ناصر هاشمی دیگر بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

